

مدیریت اقتصادی خانواده با رعایت قناعت و عوامل جذب روزی در نهج البلاغه

وجیهه اکرمی*

چکیده

نهج البلاغه کتابی روشنگر و یادگاری از مولای متقیان برای جامعه مسلمانان می باشد که راهکار زندگی صحیح برای موفقیت در دنیا و آخرت در آن بیان شده است. در این کتاب پرارزش عوامل تحکیم خانواده به صورت غیر مستقیم بیان شده است. یکی از عوامل مؤثر در تحکیم خانواده، بحث مدیریت اقتصادی است که در این نوشتار به دو موضوع قناعت و عوامل جذب روزی پرداخته شده است. قناعت با ایجاد شادکامی، عزت و الگو شدن، ضمن کاستن از فشار روانی فقر، فرصت مدیریت بهینه را می دهد و عوامل جذب روزی چون پرداخت صدقه واجب و مستحب، تقوا، توجه به اصل تشکر باعث بهره مندی از زوایای پنهان در تحصیل آرامش و روزی حلال می گردد. این مقاله به روش کتابخانه ای و با تأکید بر نهج البلاغه به موضوع کنترل امور اقتصادی خانواده و در نتیجه تحکیم آن پرداخته است.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، تحکیم خانواده، قناعت، روزی.

*. کارشناس ارشد و مشاور دانشگاه فردوسی در نهاد رهبری.

مقدمه

نهاد مقدس خانواده به عنوان اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین رکن جامعه انسانی به شمار می‌رود که در پیشرفت و موفقیت جامعه تأثیر چشم‌گیری دارد. به گونه‌ای که می‌توان سعادت یک جامعه را وابسته به نیک‌بختی خانواده‌های آن جامعه دانست. امروزه با توجه به صنعتی شدن جوامع و ماشینی شدن زندگی، خیلی از ارزش‌های معنوی در خانواده‌ها کم‌رنگ و اختلاف نظرها زیاد شده است.

رکن اول خانواده را زن و شوهر تشکیل می‌دهند که ارتباط سالم بین آنها می‌تواند زمینه‌ساز سعادت اعضای خانواده شود به طوری که اگر ارتباط دو سویه همسران، مسیر صحیح خود را طی کند، به رشد معنوی آنها و رسیدنشان به اهداف عالیه در پناه رفتارشناسی صحیح و مهارت علمی همسررداری کمک می‌کند.

اسلام کامل‌ترین دین الهی بوده، با دقت در تمام جوانب نیازهای انسان و اجتماع، دیدگاهی کامل و روشنگرانه نسبت به این مسأله داشته و اهمیت فراوانی برای نهاد خانواده قائل است. به گونه‌ای که آن را سنگ بنای مهم حیات اجتماعی می‌داند. پس هر چه ارکان تشکیل‌دهنده این بنای مهم مطابق با استانداردهای معرفی شده آن باشد به طور قطع به همان مقدار از شایستگی، برتری و استحکام برخوردار خواهد بود و خروجی آن انسان‌هایی شایسته و مؤثر در ساختن جامعه ایده‌ال اسلامی خواهد بود. چرا که شیوه‌های دین، آمیزه‌ای از شیوه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است؛ هم به نیازهای مادی و هم به نیازهای معنوی توجه دارد؛ هم بُعد شناخت و عقلانیت و هم بُعد رفتار را در برمی‌گیرد. نگاهش به دنیا معطوف به آخرت است.

شکی نیست رسیدگی به نیازهای مادی خانواده موجب ایجاد رضایت نسبی در آنان می‌شود. زیرا عمده نیازهای جسمی با برخورداری متعادل از امکانات مادی، برطرف می‌شود و رفع آنها نیز موجب آسایش و رفاه افراد شده، احساس رضایت ظاهری و لذت ایجاد می‌کند.

اما این نکته ارتباط مستقیم با سطح تربیت روحی افراد و مقدار پالایش آن دارد. جسم مرکب روح است و روح اصل وجود انسانیت. اگر این ساختار بر اساس دستورات دینی مدیریت شود، آنگاه شیرینی و کامیابی واقعی برای افراد قابل درک می‌گردد. اما اگر سرپرستی در دست جسم قرار گیرد و اصالت به جسم و نیازهای آن داده شود، فرد عنان خود را از دست داده و به انسانی لذت‌گرا، خود محور و در نهایت ستمگر تبدیل خواهد شد که زندگی در کنار او کاری سخت و طاقت فرساست.

اما با تربیت اخلاقی افراد خصوصاً همسران که ارتباط ویژه‌ای با یکدیگر دارند، زندگی خانوادگی و اجتماعی متعادل گشته و رضایتمندی ایجاد می‌شود. از این رو یکی از عوامل مهم و مؤثر بر تحکیم خانواده، داشتن صفات اخلاقی پسندیده می‌باشد. با توجه به موضوع مقاله به یکی از صفاتی که مؤثر بر رضایت از زندگی است و منجر به مدیریت اقتصادی می‌گردد، می‌پردازیم.

۱. قناعت و تأثیر آن در تحکیم خانواده

یکی از مؤثرترین عوامل در مدیریت اقتصادی، داشتن روحیه قناعت است. به سبب اینکه اگر شخص از صفت قناعت برخوردار نباشد، حرص درونی او را دائماً به سمت نگاه‌ها و خواسته‌های دنیوی کشانده و به مجرد ناکامی از آن خشم، غضب، خودمحوری، ظلم به دیگران و... در او به بروز و ظهور می‌رسد. در این مبحث به توضیح صفت قناعت و بیان اثرات و فواید آن پرداخته می‌شود.

۱.۱. تعریف قناعت

لغت شناسان قناعت را «راضی شدن به قسمت» معنا کرده‌اند. قانع کسی است که به آنچه به او می‌رسد راضی شود، اگر چه اندک باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷۰؛ طریحی، ۱۳۰۷، ص ۴۰۰). اصل کلمه قناعت، از ماده «قناعت» به معنای چیزی است که سر را با آن می‌پوشانند. قانع بودن و قانع شدن به معنای پوشاندن و پنهان کردن فقر است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲ق، ص ۴۲۹).

علمای اخلاق در تعریف اصطلاحی، آن را حالتی نفسانی می‌دانند که به صورت ملکه برای انسان حاصل شده است. نراقی می‌نویسد: «ضد صفت حرص، ملکه قناعت است و آن حالتی است از برای نفس که باعث اکتفا کردن آدمی است به قدر حاجت و ضرورت و زحمت نکشیدن در تحصیل زیادی از مال و از اخلاق حسنه‌ای است که همه فضایل در دنیا و آخرت مربوط به آن است» (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۲).

گرچه در این تعاریف، قناعت به رضامندی معنا شده اما با توجه به کلام امام که می‌فرماید: «الْقُنُوعُ عُنْوَانُ الرِّضَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۱، ص ۵۱۳، حدیث ۸۹۷۹) قناعت نشانه و علامت رضامندی است، می‌توان گفت علامت قناعت [در] تعریف آن قرار گرفته است (تقریبی، ۱۳۹۱، ص ۲۹).

یکی از الفاظی که شاید بیشتر در بین افراد و خانواده‌ها شنیده می‌شود کلمه «خوش به حال...» است گروهی از همسران با نگاه به داشته‌های دیگران آرزو می‌کنند که کاش ما به جای آن‌ها بودیم. اگر افراد از زاویه دید معصومین علیهم‌السلام به این موضوع نگاه کنند، قطعاً پیروز و موفق خواهند بود.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ وَعَمِلَ لِلْحِسَابِ وَقَنِعَ بِالْكَفَافِ وَرَضِيَ عَنِ اللَّهِ»؛

خوشا به حال کسی که همیشه به یاد آخرت و معاد باشد و کار و تلاشی که انجام می‌دهد برای روز حساب باشد و قناعت کند به آنچه خداوند روزی او کرده است و از خداوند متعال راضی باشد (نهج البلاغه، کلمات قصار ۴۴، ص ۴۷۷). پس قناعت امری است که باید مورد غبطه قرار گیرد و افراد سعی بر اجرای آن داشته باشند.

۲.۱. پیامدهای قناعت

۲.۱.۱. شادکامی

رضایت‌مندی و شادکامی که امروزه گم‌شده خانواده‌هاست، در فرموده‌های امام به قناعت تعبیر شده است. اگر زن و شوهر دنبال ایجاد فضای شاد و دور از دغدغه‌های اضافی خانواده

هستند، آن را باید در قناعت پیدا کنند. خرسندی که امروزه معادل شادمانی به کار می‌رود در گذشته معادل قناعت بوده است (شهیدی، ۱۳۷۰، ص ۵۵، ش ۲۲۶).

بسیاری از خانواده‌هایی که به امکانات و رفاه دست می‌یابند، احساس خوش‌بختی نمی‌کنند و برعکس بسیاری از کسانی که فاقد امکانات و رفاه هستند، از احساس رضایت از زندگی برخوردارند. به نظر می‌رسد میان تمکن مالی و رضایت از زندگی رابطه‌ی علت و معلول برقرار نیست.

گاهی خانواده‌هایی با زندگی‌های مرفه از احساس رضایت از زندگی محرومند و گاهی خانواده‌هایی با زندگی‌های ساده، از زندگی احساس رضایت می‌کنند. کدام یک بهتر است، تمکن مالی یا رضایت از زندگی (پسندیده، ۱۳۸۴، ص ۱۸) با این توضیحات اکنون بهتر می‌توان به عمق کلام امام علی علیه السلام دست یافت. آن‌جا که می‌فرمایند: «مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا لَمْ يَحْزَنْ لِلْبُلُوِي»؛ هر کسی دنیا را بشناسد از بلاهای آن اندوهگین نمی‌شود (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ق، ج ۲۰، ص ۲۷۱، ح ۱۳۷).

امیرالمؤمنین علیه السلام از قناعت که یکی از رازهای شیرین‌تر شدن زندگی است، پرده برداری کرده‌اند و اجرای آن را به همه‌ی مؤمنین سفارش فرموده‌اند. قناعت موجب محکم‌تر شدن روابط خانواده می‌شود.

۱.۲.۲. عزتمندی

افراد قانع به آن چه دارند، کفایت کرده و برای رسیدن به داشته‌های بیشتر از دیگران خواهش و التماس ندارند. این عامل خود موجب عزت نفس است:

«أَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعَ وَ رَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ ضُرَّهُ» خود را خوار کرد، آنکه طمع را پیشه ساخت و تن به ذلت داد، هر که گرفتاری خود را ابراز کرد (نهج البلاغه، ص ۶۲۵). این سخن جهت برطرف ساختن طمع است که در مقابل فضیلت قناعت می‌باشد با یادآوری پیامدهای طمع از قبیل خوار ساختن و پست کردن خود؛ توضیح آنکه چشم طمع داشتن به مال دیگران باعث نیازمندی به ایشان و کرنش در برابر آن‌هاست. صفت استشعار

استعاره است برای پیوستگی و مباشرت طمع نسبت به قلب آدمی همانند لباس زیر که مباشر و پیوسته به جسم است (ابن میثم، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۲).

۱. ۲. ۳. الگو شدن

یکی از ویژگی‌های انسان قانع دور بودن از تعجلمات است. انسان با هر لذتی که از دنیا می‌برد نقطه‌ای سیاه در قلبش ایجاد می‌شود که موجب کدورت قلب می‌گردد (ر.ک: خمینی، ۱۳۷۶).

کسی که نفس خود را کنترل کرد و به نفس خودش اجازه خودنمایی و رفتارهای ناپسند نداد، می‌تواند مرئی و الگوی دیگران قرار گیرد. همچنان که فرموده‌اند: «يَخْشَعُ لَهُ الْقَلْبُ، وَ تَذَلُّ بِهِ النَّفْسُ، وَ يَقْتَدِي بِهِ الْمُؤْمِنُونَ»؛

وکیع بن جراح بن سفیان از عمرو بن قیس نقل می‌کند بر تن علی علیه السلام ازاری وصله‌دار دیده شد و چون از او پرسیدند فرمود: «این جامه قلب را فروتن می‌کند و مؤمن هم از آن پیروی می‌کند».

مجید الدین موسی از علی بن صالح از ابو محمد عطا نقل می‌کند: «علی را دیدم از در کوچک بیرون آمد و در آغاز روز که آفتاب بلند بر آمده بود دو رکعت نماز گذارد پیراهن کرباسی کسکر (نام دیگر دولاب است و از دهکده‌های ری است: ر.ک: ترجمه تقویم البلدان، ۱۳۴۹، ص ۴۹۵). بر تن داشت که بلندای آن تا بالای قوزک پایش بود و آستین‌هایش تا حدود انگشتان دستش» (واقعی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۲).

قناعت علاوه بر ایجاد آرامش و رضایت‌مندی در فرد، موجب ذلّ نفس و عدم سرکشی آن شده در نتیجه الگوی مناسبی برای دیگر افراد خانواده خواهد بود. خصوصاً در شرایط کنونی جامعه که توجه به دنیا، کسب لذت‌های آن و به دست آوردن ابزارهای بیشتر دنیوی تبلیغ می‌شود. همان‌طور که می‌دانیم این موارد ره آورد سبک زندگی غربی است. اما می‌توان با عمل کردن به این دستور امیر مؤمنان علیه السلام، علاوه بر ایجاد آرامش در خانه و خانواده و همکاری لازم با همسر در تدبیر امور اقتصادی، به نحوی شایسته زندگی کرد و پایه‌های زندگی مشترک خود را محکم‌تر از قبل نمود. شخص قانع عامل تشویق دیگران به قناعت

است و عدم توجه به داشته‌های غیر ضروری زندگی موجبات رفع کدورت‌های همسران و تقویت اقتصاد خانواده و محبت بین آن دو می‌شود.

۱.۳. حد و اندازه قناعت

گاهی اوقات وجود تنش‌های خانوادگی متأثر از توجه به ابزارهای غیر ضروری در منزل، همسر را به تلاش‌های بی‌مورد و خارج از توان وادار می‌کند. این موضوع محبت بین همسران را با آسیب جدی مواجه کرده ضمن آنکه اگر عواید مالی که مرد به دنبال به دست آوردن آن می‌باشد در روزی او نباشد و یا مسیر کسب آن مسیر غیر حلال باشد در زمره زیان‌کارترین مردم قرار می‌گیرد.

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَوْسَرَ النَّاسِ صَفْقَةً وَأَخْيَبُهُمْ سَعْيًا رَجُلٌ أُخْلِقَ بَدَنَهُ فِي طَلَبِ مَالِهِ وَلَمْ تُسَاعِدْهُ الْمَقَادِيرُ عَلَى إِرَادَتِهِ فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا بِحَسْرَتِهِ وَقَدِمَ عَلَى الْآخِرَةِ بِتَبِعَتِهِ» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۴۳۰، ص ۷۲۳)؛ همانا زیان‌کارترین مردم در تلاش، مردی است که تن در گردآوری مال خسته دارد اما تقدیرها با خواست او هماهنگ نباشد پس با حسرت از دنیا برود و با بار گناه به آخرت روی آورد.

به یقین اگر زن و مرد در خانواده بتوانند در مدیریت اقتصادی بجا و به اندازه عمل نمایند، موجبات لذت و کام‌جویی شان در زندگی ایجاد می‌شود. اما حد و اندازه قناعت چقدر است؟ در این زمینه در متون دینی توصیه به تعادل در رفتار شده است. همچنان که در قرآن به مذمت دنیا و داشته‌های آن پرداخته شده:

«إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ...» (تغابن/۱۵)؛ همانا اموال و اولاد شما وسیله آزمایشند و خداوند است که پاداش بزرگ نزد او است و به کسانی پاداش می‌دهد که در این امتحان پیروز شوند.

البته توصیه‌های این گونه هم آمده است: «... وَلَا تَسْ نَصِيْبِكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص/۷۷)؛ بهره خودت را از دنیا فراموش نکن.

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فَرَاعَكَ وَ شَبَابَكَ وَ نَشَاطَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ» (معانی الاخبار، ص ۳۲۵، ح ۱) درباره آیه سهم خود را از دنیا فراموش مکن: [یعنی] سلامتی، توانایی، فرصت، جوانی و شادابی‌ات را فراموش مکن، تا با آنها، آخرت را به دست آوری. فراموش نکن که با بهره‌گیری از سلامتی و نیرو و فراغت و جوانی و شادابی‌ات، آخرت را به دست می‌آوری.

در سوره انفال نیز آمده است: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (انفال/۲۸).

بسیاری از مفسران و محدثان در اینجا نقل کرده‌اند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر فراز منبر مشغول خطبه بود، حسن و حسین علیهما السلام که دو کودک بودند، وارد شدند، در حالی که پیراهن‌های سرخی به تن داشتند، گاه به هنگام راه رفتن لغزش پیدا کرده می‌افتادند. همین که چشم رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنها افتاد، خطبه خود را قطع کرده، از منبر فرود آمد، آنها را در بغل گرفت، بر فراز منبر برد و بر دامان خود نشانید و بعد فرمود: خداوند عزوجل درست فرموده است که «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» من هنگامی که نظر به این دو کودک کردم که راه می‌روند و می‌لغزند، شکیبایی نکردم تا گفتارم را قطع نمودم و آنها را برداشتم و بعد از آن به خطبه خود ادامه دادم (طبرسی، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۳۰۱).

در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم:

«لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَيَّ فِتْنَةً، وَ لَكِنْ مَنْ اسْتَعَاذَ فَلَيْسَتْ عَيْدٌ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»؛ هیچ کس از شما نگوید خداوندا از امتحان و آزمایش به تو پناه می‌برم؛ چرا که هر کس دارای وسیله آزمایشی است (و حداقل مال و فرزندی دارد و اصولاً طبیعت زندگی دنیا، طبیعت آزمایش و بوته امتحان است) و لکن کسی که می‌خواهد به خدا پناه برد، از امتحانات گمراه کننده پناه برد. چه این که خداوند می‌گوید: بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمون است (نهج البلاغه، کلمات قصار).

همسران باید بدانند که جمع نظریه‌ها این تصوّر را ایجاد می‌کند که دنیا ابزاری است که موجبات بهره‌مندی از مواهب الهی و پیشرفت و رشد انسان را فراهم می‌نماید. اما باید به اندازه خود به آن توجه کرد نه کمتر و نه بیشتر و باید از دنیا بهره برد به اندازه‌ای که وسیله راحتی و موفقیت نسبی را هم برای جسم و هم برای روح ایجاد کند. یعنی انجام رفتار متعادلانه، همسران را به بهره‌مندی‌های بیشتر در زندگی می‌رساند. چرا که با کسب لذت‌های مناسب در خانواده، موجبات تفرّج روح فراهم گشته و ملالت از آن‌ها دور می‌گردد. پس هر شخص با توجه به شرایط زندگی و بصیرت نسبت به این موضوع که عموم عقلا و متشرّعین رفتار مربوطه را تحسین می‌نمایند می‌تواند حدّ قناعت را در زندگی اجرا کند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «كُلُّ مُقْتَصِرٍ عَلَيْهِ كَافٍ» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۹۵)؛ هر مقدار که قناعت کنی کافی است.

بنابراین تقویت روحیه قناعت یکی از موضوعاتی است که در جهت تحکیم خانواده اثربخشی فوق العاده دارد. با این حال حیاتی پاک و به دور از دغدغه‌های دنیایی و آلوده به گناه چه زمانی اتفاق می‌افتد؟ یا عامل ایجاد آن چیست؟ قرآن در سوره نحل آیه ۹۷ می‌فرماید:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ...» (نحل/۹۷)؛ ایمان به خدا و پیامبر او روح حیات طّیبه است و ابقای آن احتیاج به عمل صالح دارد (تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۲۴). در نتیجه عملکرد صحیح و رفتار نیکو حیات طّیبه است.

در محضر امام علی علیه السلام سؤال می‌شود: «كَفَىٰ بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا، وَبِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا، وَسُئِلَ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَىٰ: (فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً)، فَقَالَ: هِيَ الْقَنَاعَةُ» این حیات طّیبه چیست؟ حضرت می‌فرمایند: «هی القناعة» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۲۹).

به بیان دیگر راه ایجاد قناعت برای داشتن حیات طّیبه، عمل صالح توأم با ایمان است. معیار، تنها ایمان و اعمال صالح است و دیگر هیچ قید و شرطی ندارد، نه از نظر سنّ و سال نه

از نظر نژاد نه از نظر جنسیت و نه از نظر پایه و رتبه اجتماعی (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۳۸۹).

البته ایجاد هر مهارتی در زندگی نیاز به دانستن مقدماتی دارد. با توجه به اینکه همگان می‌دانند مهارت تقویت علم به همراه تجربه مربوطه می‌باشد پس قبل از اجرا باید علوم مربوط به آن موضوع را فرا گرفته و تلاش در اجرای صحیح آن نمایند. از این رو اجرای قناعت توسط همسران میسر نمی‌گردد مگر با تقویت اطلاعات علمی در جهت تبیین صفت قناعت و پرداختن به فواید آن.

۱. ۴. راهکارهای ایجاد قناعت

۱. ۴. ۱. راهکار علمی

زمانی که به فرموده معصوم که به اذن الهی بر تمام امور دنیا اشراف دارد توجه می‌کنیم که می‌فرماید: «الْقِنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۴۹)؛ قناعت گنجی پایان ناپذیر است؛ در می‌یابیم که برای رسیدن به گنج بی‌پایان، تلاش جسمی بی‌حد و حصر لازم نیست؛ بلکه همراهی روح و جسم لازم است تا با بهره بردن از امکانات مادی و معنوی موجبات ایجاد برکت در زندگی فراهم گردد.

همچنان که در جای دیگر حضرت می‌فرماید: «كَفَى بِالْقِنَاعَةِ مُلْكًا وَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا»؛ آدمی را قناعت برای دولتمندی، و خوش خلقی برای فراوانی نعمت‌ها کافی است (نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۲۹).

عطش داشتن موهبت‌های دنیوی بعد از برطرف کردن نیازهای اصلی انسان، به نیاز روحی جسمی منتقل می‌شود. به دیگر سخن این که روح نامحدود انسانی اگر وابسته به امور دنیوی گردید و همه هدف خود را در رسیدن به دنیای بیشتر دید دیگر سیری ناپذیر بوده و به آرامش روحی نخواهد رسید.

پس یکی از عوامل مهم ایجاد قناعت، تفکر در این موضوع است که به دنیا به اندازه نیاز باید پرداخت و از بهره‌های آن در حد ضرورت استفاده کرد تا هدف‌گزاری روح به جای

ماده، معنا باشد و انسان را هماهنگ با خلقت خود به پیش برد که نتیجه آن داشتن آرامش درونی و طمأنینه خواهد بود.

۱. ۴. ۲. راهکار عملی

زن و شوهر دو یار همراه در زندگی می‌باشند که با پیرایش صفات ذمیمة اخلاقی در یکدیگر می‌توانند عامل موفقیت هم شوند. یکی از اموری که تقویت کننده روحیه قناعت در همسران است، آگاهی به این موضوع است که انسان‌ها داشته‌های حلالشان را بر اساس تلاش، لیاقت و یا تقدیرشان به دست آورده‌اند. بعضی اشخاص متأسفانه به جای این‌که این امور را در خود ایجاد کنند نگاهشان به دست دیگران است و تمنا و طلب از دیگران دارند.

یکی از عملی‌ترین راهکارها برای ایجاد قناعت در انسان خصوصاً همسران، تغییر در رفتار است، باید با دیگران در حدّ اعلاى آداب اجتماعى و احترام برخورد کنند، اما در عمل ناامیدى و یأس از وضعیت داشته‌های مالی داشته باشند. همسران باید بدانند هر آنچه دیگران دارند مال خود و نتیجه کسب خودشان است.

حضرت می‌فرماید: «مَاءٌ وَجْهَكَ جَامِدٌ يُقَطِّرُهُ السُّؤَالُ، فَانظُرْ عِنْدَ مَنْ تُقَطِّرُهُ» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۴۶، ص ۵۰۹)؛ آبروی تو همچون یخی جامد است که درخواست، آن را قطره قطره آب می‌کند، پس بنگر که آن را نزد چه کسی فرو می‌ریزی.

و در جایی دیگر می‌فرماید: «فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلْبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۴۶، ص ۵۰۹)؛ از دست دادن حاجت، بهتر از درخواست کردن از نااهل است.

همچنین دیگران به خصوص خانواده‌های همسران یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد و تقویت قناعت می‌باشند. همچنان‌که توقع بهره بردن بیشتر از لطف خانواده‌ها موجب کدورت و فاصله بین قلوب افراد خانواده می‌گردد.

در تجربه زندگی دیده‌ایم که قسمتی از کدورت‌های بین زن و شوهر مربوط به این امر است که موهبتی مادّی از طرف والدین یکی از آن دو یا نرسیده یا در حدّ توقع آنها نبوده است. این موضوع عامل ایجاد فاصله بین همسران و خانواده‌ها شده است. اگر افراد بتوانند نگاه متوقّع خود را نسبت به دیگران تصحیح کرده و بر همت و تلاش خود تکیه کنند، این

موضوع باعث ایجاد محبت شده و فضای زندگی را معطر به عطر همدلی و همراهی می‌کند. نکته دیگری که لازم است به آن توجه شود باور داشتن این فرموده حضرت است که می‌فرمایند:

ای فرزند آدم روزی دو گونه است: روزی‌ای که تو آن را می‌جویی و روزی‌ای که تو را می‌جوید که اگر به سراغش نروی به سوی تو می‌آید. پس اندوه سال خود را بر اندوه امروزت منه که برطرف کردن اندوه هر روز از عمر تو را کافی است اگر سال آینده در شمار عمر تو باشد همانا خداوند در هر روز سهم تو را خواهد داد. اگر آن سال در شمار عمر تو نیست پس غم تو بر آنچه از آن تو نیست چیست؟ و در آنچه روزی تو است هیچ خواهنده‌ای بر تو سبقت نگیرد و هیچ غالبی بر تو چیره نگردد و آنچه برایت مقدر شده، تأخیر نپذیرد.

در این حکمت، هدف اصلی امام این است که انسان‌ها را از حرص به دنیا باز دارد تا به گونه‌ای نباشند که تمام تلاش و کوشش آن‌ها برای به دست آوردن رزق و جمع آوری مال باشد و از وظایف دیگر دور بمانند و لزوم تحصیل روزی را بهانه خود برای حرص به دنیا قرار دهند.

توضیح آن که به یقین همه روزی‌ها مقدر است ولی غالباً مشروط است به تلاش و کوشش و سعی و کار که اگر این شرط حاصل نشود فراهم نخواهد شد؛ مانند روزی‌هایی که از طریق کشاورزی و دامداری و تجارت و امثال آن حاصل می‌شود.

گروهی از روزی‌ها نیز مشروط به این شرط نیستند بلکه ناخواسته به سراغ انسان می‌آید مانند ارث غیرمنتظره‌ای که به انسان می‌رسد و یا سود کلانی که بدون تلاش و کوشش از طریق ترقی قیمت‌ها و یا هدایایی عاید انسان می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۴).

البته آینده‌نگری جزء صفات پسندیده است اما نه به اندازه‌ای که در شخص ایجاد حرص و طمع نماید. به همین جهت حضرت با تأکید بر تلاش اقتصادی به همراه آینده‌نگری با رفع حرص و طمع از روحیه افراد آن‌ها را عملاً به سمت قناعت سوق می‌دهند. چه بسا هستند افرادی که با پوشش آینده‌نگری به تلاش بی‌اندازه می‌پردازند اما سرمایه‌ها به دست وارثان می‌رسد و جز تلاش و زحمت چیزی عاید خود فرد نمی‌شود.

در سخنی دیگر حضرت می‌فرماید: «خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا آتَاكَ وَ تَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّى عَنكَ فَاِنَّ اَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ فَاَجْمِلْ فِي الطَّلَبِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۳، ص ۷۲۵)؛ از دنیا آن مقدار که به تو می‌رسد بردار و از آنچه پشت کند روی گردان و اگر نتوانی در جستجوی دنیا نیکو تلاش کن و از خداوند اندازه آن درگذر.

منظور حضرت این نیست که اشخاص در خانه بنشینند و به دنبال روزی نروند بلکه در صریح روایات داریم که دعای چنین شخصی جهت روزی مستجاب نمی‌شود.

امام می‌خواهند به این دو موضوع توجه دهند که به دنیا باید زاهدانه و عاقلانه پرداخت. زمانی که بر اساس امور دنیوی و عقلایی می‌توان به درآمدی رسید نباید از تلاش دست برداشت اما اگر درآمد و فواید مالی قابل دسترسی نیست قناعت پیشه کرده و اصرار بر افزودن مال و ثروت نداشته باش. چرا که اگر همسران به این موضوع دقت نداشته باشند هم مشقت زیادی بر آنها تحمیل می‌شود و هم ممکن است به انواع گناهان آلوده و از مسیر شرع منحرف شوند و چه بسا اگر به ثروت نرسند زبان به ناشکری باز کنند.

تلاش به اندازه و در مسیر شرع، خود موجب رفع اضطراب‌ها و استرس‌های بیهوده می‌گردد. علاوه بر این از فواید جانبی این رفتار در خانواده، قرار گرفتن به عنوان یک نمونه زندگی خوب و موفق برای دیگران خواهد بود.

جهت تکمیل موارد فوق خصوصاً در مورد دوری از گناه و حرص و داشتن روحیه تشکر، در فصول آینده در قالب قوانین معنوی به آن پرداخته خواهد شد.

۱. ۵. آثار قناعت در فرد

آرامش درون: یکی از نیازهای جدی بشری داشتن روحیه آرام است. برخی از انسان‌ها به دنبال آسایش و فراهم کردن وسایل زندگی می‌گردند که به گمان این که آرامش را هم در آن آسایش پیدا می‌کنند ولی از این موضوع غافلند که آرامش و بهجت موضوعی است درونی و به سطح اقتناع روحی وابسته است. گاهی خانواده‌هایی را مشاهده می‌کنیم که در ظاهر امر از امکانات رفاهی گسترده‌ای برخوردارند، اما آرامشی که موجب شادکامی و

احساس لذت می‌شود، ندارند: «أَفْهَدِهِ تُؤْثِرُونَ أَمْ إِلَيْهَا تَطْمَئِنُونَ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۱)؛ آیا به واسطه دنیا دنبال آرامش هستید؟

در واقع امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «اگر توجه همسران به سمت آرامش درونی است، قطعاً با پیشه ساختن قناعت به آن دست پیدا خواهند کرد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱ و ۳۷۷). همچنان که در جای دیگر می‌فرماید: «ثَمَرَةُ الْقِنَاعَةِ الرَّاحَةُ» (ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۹۶)؛ آرامش نتیجه قناعت است.

رشد شخصیتی: خانواده جایگاه رشد جسمی و روحی افراد است رشد روحی که منتج به رشد شخصیتی می‌گردد نیز متوجه کانون خانواده است اگر در خانواده صفات مثبت و تأیید شده اخلاقی در افراد متجلی گردد قطعاً تأثیرات مثبت خود را به فضای خانواده خواهد کشاند. امام در خطبه ۱۱۱ می‌فرماید: «مَنْ أَقَلَّ مِنْهَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يُؤْمِنُهُ وَ مَنْ اسْتَكْتَرَتْ مِنْهَا اسْتَكْتَرَتْ مِمَّا يُؤْبِقُهُ وَ زَالَ عَمَّا قَلِيلٍ عَنْهُ...»؛ هر کس از این دنیا (لذا بداند و مطالب دنیا) اندکی گرفت بسیاری از عوامل امن و اطمینان (از نتایج ناگوار) را به دست آورد و هر کس که به تکاثر از امتیازات این دنیا مبتلا گشت بر عوامل هلاکت خویش افزود و در اندک زمانی از وی جدا گشت.

مگر نه چنین است که من یا شخصیت آدمی در مسیر حیات معقول در طلب شایستگی‌های وجود خود و کمالاتی است که اشتیاق به آن‌ها در درون او وجود دارد مگر نه این است که قرار دادن شخصیت در اسارت میان حلقه‌های زنجیر امور دنیوی، آن را تا حدی همان امور پایین می‌آورد!

اگر زن و شوهر در خانواده رسیدن به ضرورت‌ها را اصل بدانند بدان جهت که ملاک ضرورت‌ها به دست آوردن امکانات حرکت شخصیت آدمی در مسیر حیات معقول در طلب شایستگی‌ها و کمال می‌باشد، لذا به وجود آوردن ارتباط آزاد با امور دنیوی لزوم پیدا می‌کند. در نتیجه گسترش ارتباط شخصیت با امور دنیوی محدودتر می‌گردد و همان‌طور که در منابع

معتبر اسلامی آمده است با کفایت کردن به یک فرش برای زندگی شخصیت را برای به دست آوردن فرش دوم تنزل نمی دهد (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۷۳).

اصلاح نفس: یکی از صفات ذمیمه که مانع تهذیب نفس می باشد و مقدمه ای است برای رفتارهای نامطلوب دیگر، صفت حرص است که این موضوع موجب ایجاد تنش ها و چالش های نامناسب بین همسران می گردد. اگر همسران قناعت را در خود نهادینه نمایند قطعاً رفتاری متناسب در زمان های خاص از آن ها سرزده و موجب ایجاد خشم و ناراحتی بین آن ها نمی گردد. برای اثبات اهمیت صفت قناعت، همین بس که امام زین العابدین علیه السلام در پاسخ به شخصی که می پرسد برترین اعمال چیست؟ می فرمایند: «هُوَ أَنْ يَقْنَعُ بِالْقُوتِ» (نوری، ج ۱۵، ص ۲۳۲)؛ برترین عمل آن است که به آنچه در دست توست، قانع باشی.

عزت: فردی که به آنچه دارد قانع نیست همواره در صدد آن است که کمبودهای مادی خود را برطرف سازد. همت بر تأمین نیازها در موارد زیادی درخواست از دیگران را در پی دارد و این همان چیزی است که عزت فرد را به شدت به خطر می اندازد. زن و شوهر عوامل موفقیت برای یکدیگر هستند که اگر رفتار یکی از آن دو در مسیر صحیح زندگی نباشد به ناچار دیگری نیز در طی مسیر یا کند حرکت می کند یا میل به رفتار همسر خود می نماید و به گمراهی می رود. مگر آنکه شخص بتواند با کمک گرفتن از نیروی ایمان خود و مهارت در ایجاد تغییر در دیگران، همسر خود را به مسیر صحیح زندگی رهنمون گرداند که در فصول بعدی به راه های ایجاد تغییر در دیگران و عوامل آن اشاره خواهد شد.

۲. عوامل معنوی در جلب روزی

در مبحث گذشته با قناعت که یکی از عوامل تحکیم خانواده می باشد، آشنا شدیم و دانستیم که قناعت تأثیر مستقیم در شیرینی و آرامش زندگی دارد. اگر همسران روحیه قناعت را در خود پرورش دهند می توانند زندگی آرام و دور از دغدغه فراهم نمایند. اما نکته مهم این است که انسان دارای نیازهای مادی بوده و لامحاله باید برای رفع آن ها بکوشد. این نیازها افراد را برای تلاش و به دست آوردن مواهب دنیایی به تلاش و تکاپو وادار می کند.

برای اینکه تعادل بین هر دو مطلب (عدم توجه به دنیا و رفع نیازهای مادی) ایجاد شود، توجه و علم به رموزی که در دنیا وجود دارد راهکاری مناسب می‌باشد. یکی از آن رموز، دانستن قوانین معنوی در جلب روزی است. عواملی که با مراقبت‌های خاص و کم هزینه می‌تواند موجب افزایش رزق شده و در نتیجه فضای زندگی را با آرامش بیشتری توأم سازد. مطالب پیش رو سخنان گهربار امیرالمؤمنین علیه السلام درباره راه‌های به دست آوردن روزی و افزایش آن از غیر مسیر مادی می‌باشد. البته نیازمند یادآوری است که این موارد تلاش‌های مادی و ظاهری را نفی نکرده ضمن تأکید بر آیات و روایاتی که فعالیت‌های انسانی را تأیید می‌کند اموری را به عنوان عوامل کمکی و معنوی در کنار وظایف ظاهری جهت افزایش روزی معرفی می‌نماید.

معنای رزق و روزی

روزی، واژه‌ای فارسی است که به معنای خوراک روزانه، آنچه روز به روز به کسی داده می‌شود و قسمت او می‌گردد و نیز ضروریات زندگی بکار رفته است (دهخدا، ۱۳۳۹، واژه روزی).

روزی گاهی به عطای جاری گفته می‌شود؛ خواه دنیوی باشد یا اخروی و گاه به نصیب و بهره ایشان از چیزی، روزی اطلاق می‌گردد (ر.ک: مفردات راغب، ۱۳۹۲). در اصطلاح شیعیان رزق چیزی است که می‌توان از آن بهره برداری کرد و کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد (ر.ک: شرح تجرید، ص ۱۴).

پس رزق هر کس به اندازه برخورداری او از نعمت‌هاست نه مقدار دارایی و ثروت و پس اندازه؛ چه بسا ثروتمندانی که از دارایی خود جز نگرانی و اضطراب و زحمت هیچ بهره دیگری ندارند. و درآمدی که نصیبشان می‌شود یا صرف امور غیر ضروری زندگی می‌شود و یا در مسیر رفع گره‌ها و یا درمان بیماری‌ها صرف می‌گردد.

رزق دو گونه است: مادی و معنوی. رزق مادی همان خوردنی‌ها، پوشیدنی‌ها، مرکب، مسکن و... می‌باشد.

رزق معنوی علم، عقل، قدرت، جاه و جان که مورد انفاق قرار می‌گیرد؛ زیرا همه این‌ها از مصادیق رزق الهی است که به بنده خود عطا کرده است (جوادی آملی، ج ۲، ص ۱۶۷ تا ۱۶۹). بنابراین روزی فقط دریافت‌های مادی و نقود نیست بلکه موهبت‌هایی که عامل موفقیت و پیشرفت خانواده می‌گردد هم در زمره روزی‌هایی است که به ما می‌رسد.

امیرالمؤمنین علیه السلام کلیدهای رزق و روزی به طور عام را اینگونه مطرح می‌فرماید:

آیا به شما چیزهایی را که بر روزی می‌افزاید، بگوییم؟ گفتند: آری یا امیرالمؤمنین! فرمود: جمع کردن میان دو نماز بر روزی می‌افزاید، خواندن تعقیبات پس از نماز صبح و عصر بر روزی می‌افزاید و صلوة رحم بر روزی می‌افزاید و جاروب کردن جلو در خانه بر روزی می‌افزاید و همراهی با برادر دینی بر روزی می‌افزاید و صبح به دنبال روزی رفتن بر روزی می‌افزاید و استغفار بر روزی می‌افزاید و امانتداری بر روزی می‌افزاید و حق‌گویی بر روزی می‌افزاید و جواب دادن به اذان‌گو بر روزی می‌افزاید سخن نگفتن در مستراح بر روزی می‌افزاید و ترک حرص بر روزی می‌افزاید و سپاسگزاری از صاحب نعمت بر روزی می‌افزاید و پرهیز کردن از سوگند دروغ بر روزی می‌افزاید و شستن دست‌ها پیش از غذا بر روزی می‌افزاید و خوردن آنچه از سفر، می‌افتد بر روزی می‌افزاید و هر کس هر روز سی بار خداوند را تسبیح گوید خداوند هفتاد نوع بلا را از او برطرف می‌کند که آسان‌ترین آن‌ها فقر است (شیخ صدوق، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۷۵۷).

بعد از آشنایی کلی با موارد مؤثر در روزی در بیان امام علی علیه السلام به طور خاص به نهج البلاغه مراجعه می‌کنیم تا امور اقتصادی مؤثر بر تحکیم خانواده را بشناسیم تا افراد خانواده آن‌ها را چراغ راه خود قرار دهند و به پایدار کردن بیش از پیش این کانون مقدس پردازند.

۲.۱. پرداخت صدقه

یکی از اموراتی که مکرر در بیان معصومین علیهم السلام و علما به آن اشاره شده است و فواید متعددی نیز برای آن بیان گردیده صدقه است. صدقه در ظاهر امر، کم کردن از داشته‌های مادی و پرداخت مقداری از اموال به دیگران است اما در باطن امر شاید بتوان تأثیر آن را به

هرس کردن درختان شبیه کرد. همچنین موارد دیگری نیز مثل اصلاح موی کودکان جهت پرپشت شدن آنها، تأثیر اهدای خون در تولید بیشتر گلبول‌های خونی و ازدیاد حجم خون و... از جمله اموری است که ظاهراً کاستن است اما در واقع افزودن. با توجه به این موارد طبیعی می‌توان صدقه را نیز عامل معنوی بیان کرد که در ظاهر کاستن است اما در باطن افزودن.

حضرت می‌فرماید: «استزلوا الرزق بالصدقة» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۷)؛ روزی را با صدقه دادن فرود آورید. و نیز می‌فرماید: «إِذَا أَمَلَقْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ» (همان، حکمت ۲۵۸)؛ هرگاه تهیدست شدید با صدقه دادن تجارت کنید.

این نکته مؤید قرآنی هم دارد. در قرآن آمده است: «قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (سبا/۳۹)؛ بگو پروردگرم روزی را برای هر کس بخواهد توسعه می‌دهد و برای هر کسی بخواهد تنگ (و محدود) می‌سازد و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید جای آن را پر می‌کند و او بهترین روزی دهندگان است.

جمله «فَهُوَ يُخْلِفُهُ» (او جایش را پر می‌کند) تعبیر جالبی است که نشان می‌دهد آنچه در راه خدا انفاق گردد در حقیقت یک تجارت پر سود است، چرا که خداوند عوض آن را بر عهده گرفته، و می‌دانیم هنگامی که شخص کریمی عوض چیزی را بر عهده می‌گیرد رعایت برابری و مساوات نمی‌کند بلکه چند برابر و گاه صد چندان می‌کند.

البته این وعده الهی منحصر به آخرت و سرای دیگر نیست، آن که در جای خود مسلم است، در دنیا نیز با انواع برکات جای انفاق‌ها را به نحو احسن پر می‌کند.

جمله «هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (او بهترین روزی دهندگان است) معنای گسترده‌ای دارد و از ابعاد مختلف قابل دقت است. او از همه روزی دهندگان بهتر است به خاطر این که می‌داند چه چیز ببخشد و چه اندازه روزی دهد که مایه فساد و تباهی نگردد، چرا که به همه چیز عالم است. او هر چه بخواهد می‌تواند اعطا کند چرا که به هر چیز قادر است.

برای این که بدانیم مفهوم انفاق تا چه حد در اسلام گسترده است کافی است حدیث زیر را مورد توجه قرار دهیم: پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

«كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ، وَ مَا أَنْفَقَ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ كَتَبَ لَهُ صَدَقَةً، وَ مَا وَقَى بِهِ الرَّجُلُ عَرَضَهُ فَهُوَ صَدَقَةٌ، وَ مَا أَنْفَقَ الرَّجُلُ مِنْ نَفَقَةٍ فَعَلَى اللَّهِ خَلْفُهَا، إِلَّا مَا كَانَ مِنْ نَفَقَةٍ فِي بَنِيَانٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ»؛

«هر کار نیکی (به هر صورت باشد) صدقه و انفاق در راه خدا محسوب می شود و منحصر به انفاق های مالی نیست و هر چه انسان برای حوایج زندگی خود و خانواده خود صرف می کند صدقه نوشته می شود و آنچه را که انسان آبروی خود را با آن حفظ می کند صدقه محسوب می گردد و آنچه را انسان در راه خدا انفاق می کند عوض آن را به او خواهد داد مگر چیزی که صرف بنا شود (همچون بنای خانه!) یا در راه معصیت صرف گردد. استثناء خانه ممکن است از این نظر باشد که عین آن باقی است به علاوه مردم بیشترین توجهشان به آن است (ر.ک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۵۳۸۹ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۲۶).

صدقه دادن در خانواده توجه انسان را به همنوع خود جلب می کند و تقویت این موضوع مهم «یعنی همچنان که گرفتاری در خانواده ما هست خانواده های گرفتارتر و نیازمندتر بیشتری نیز وجود دارد»، این رفتار تأثیر مستقیمش بر آرامش فردی است چرا که وقتی همسران فکر کنند دیگران در شرایط سخت تری زندگی می کنند، احساس قدرشناسی از نعمات الهی در آنها تقویت می شود.

۲.۲. تقوای مالی

یکی از عوامل مؤثر بر روزی و برکت آن، توجه به رفتارهای مناسب شرعی می باشد؛ بر اساس تعاریف دینی قوانین تکوینی و تشریحی می دانیم که عوامل متعددی بر اتفاقات دنیا مؤثر است شاید مناسب باشد که افراد خانواده یکبار دیگر با قوانین تکوینی و تشریحی آشنا گردند.

جهان و زندگی انسان تحت دو نظام مدیریت می‌شود: نظام تکوین و نظام تشریح. نظام تکوین یعنی قوانین و نظام حاکم بر کل عالم و آدم و... .

همسران محترم توجه دارند که براساس قوانین تکوینی اگر لیوانی در شرایط جذب زمین قرار بگیرد به سمت زمین کشیده شده و بنا به شرایط می‌شکند؛ نیز اثر قانون تکوینی برای همه مردم و خانواده‌ها قابل درک و پذیرش است که حرکت خلاف جریان آب، کاری سخت و طاقت فرساست و... پس به همین اندازه که قوانین فیزیکی و شیمیایی در عالم طبیعت پذیرفته شده است باید همسران توجه داشته باشند قوانین تشریحی هم این اثرات را دارد و چه بسا عمیق‌تر. فقط شاید تفاوتشان این باشد که اثر وضعی مخالفت با تکوین قابل مشاهده و درک است اما وضع اثر مخالفت با تشریح به شرع معمولاً غیر حسی و دور از درک اشخاص بوده از همین رو قابلیت درک و مراقبت از عدم اجرای گناه در افراد کم می‌گردد و حال این که اثر وضعی خود را به تمام و کمال در دنیا و آخرت افراد خواهد گذاشت. به ویژه آن که همسران در ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند.

یکی از آن موارد مؤثر را می‌توان در این فرمایش حضرت یافت که فرمود:

«الْحَجَرُ [الْغُصْبُ] الْغُصْبُ فِي الدَّارِ رَهْنٌ عَلَى خَرَابِهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۰، ص ۶۸۸)؛

سنگ غصبی در بنای خانه، مایه ویران شدن آن است.

نتیجه آن که همسران در پرتو عزم و اراده و اختیاری که خداوند خالق به آنها عنایت فرموده این توجه را داشته باشند که اگر در زندگی در سیر تعیین شده شرعی حرکت کنند، موفقیت‌های پی در پی در کنار امدادهای الهی خواهند داشت اما اگر گناه گستره خانواده را آلوده کند بسته به نوع گناه آثار متعددی متوجه این زندگی می‌گردد. «اللهم اغفر لي الذنوب التي تُغَيِّرُ النِّعَمَ...» (دعای کمیل).

۲.۳. اصل تشکر

خانواده مأمّن محبت و توجه به یکدیگر است. یکی از عوامل بسیار مهمی که هم موجب تحکیم خانواده می‌گردد و هم باعث تقویت امور مالی، توجه به قانون تشکر می‌باشد. در همه امور مادی معنوی توجه به موهبت و بیان تشکر آمیز آن موجب تقویت و سرازیر شدن مکرر نعمت و موهبت می‌گردد. سپاس بیشتر برابر است با جذب بیشتر که در قرآن هم به آن اشاره شده است.

«وَ إِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...» (ابراهیم/۷)؛ به یاد بیاورید آن زمانی را که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کنید، هر آینه افزون‌تر به شما می‌دهم.
«مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَ أَمْنْتُمْ وَ كَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا» (نساء/۱۴۷)؛ اگر شکر گزاید و ایمان آورید، خداوند می‌خواهد با عذاب شما چه کند.

به فرموده امیرمؤمنان (علیه السلام) رابطه غیر قابل انکاری میان شکر و افزایش روزی است:
«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الشُّكْرِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ وَ لَا لِيَفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الدُّعَاءِ...» (دشتی، حکمت ۴۴۴)؛ این‌طور نیست که خداوند در شکر را بر روی بنده‌ای بگشاید و از آن طرف باب زیادتی نعمت را بر روی او ببندد. آن‌گاه که خداوند امر می‌کند شکر گزار من باش، وقتی بنده ستایش و ثنا و حمد او را به جای آورد، خداوند در زیادتی نعمت را بر روی او می‌گشاید. در این‌جا امام علی (علیه السلام) بین سه چیز با سه چیز دیگر تلازم برقرار می‌کند:
۱. بین شکر و زیادتی نعمت ۲. بین دعا و اجابت ۳. بین توبه و مغفرت؛ و این سه یعنی «شکرگذاری و دعا کردن و توبه کردن» از ناحیه خداوند آمده و او امر کرده پس پی‌آمدهش این است که حال که این درها را باز کرده باید آن درها را هم باز کند.
(www.shia-news.com/fa/news).

نمی‌شود خداوند در شکر را بر روی بنده‌اش باز کند و در افزایش روزی را بر او ببندد اما متأسفانه امروزه در خانواده‌ها موضوع چشم و هم‌چشمی و مسابقه در رسیدن به مال و ثروت مانع تقویت روحیه شکرگزاری شده است بلکه هر فردی حق خود می‌داند که به بیشتر از این دست یابد؛ حال آن‌که این حالت انسان را در پله‌های سقوط قرار می‌دهد بلکه روزی او را

کاهش می‌دهد که هم کاهش روزی و هم فضای پرتنش بین همسران مانع جدی برای خانواده و سلامتی روان آنها می‌باشد.

نتیجه

در دین مبین اسلام و خصوصاً در نهج البلاغه راه‌های رسیدن به آرامش و تحکیم خانواده مطرح شده است. تعدادی از آنها مستقیم و بعضی دیگر غیر مستقیم ما را به آنها رهنمون می‌گرداند. یکی از عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده دقت در مدیریت اقتصادی است. این مهم حاصل نمی‌شود مگر با توجه به تغییر تفکر و وعده‌های الهی برای رسیدن به فضایل اخلاقی. البته کسی که به فضایل اخلاقی دست پیدا می‌کند قطعاً به آرامش روانی و سلامت نفس خواهد رسید. داشتن روحیه قناعت‌گری فرد را از حریص بودن برحذر می‌دارد. این آرامش مستقیماً تأثیر بر پیوند خانوادگی گذاشته و زندگی را به سمت موفقیت و پویایی رهنمون می‌کند. جهت اجرای این فضیلت، تغییر تفکر، علم بر پیامدهای مثبت آن، آموختن راهکارهای علمی و عملی از ضروریات بوده و با اجرای آنها سلامت روانی خانواده تأمین می‌گردد. اثرات قناعت با توجه به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام در فرد مواردی است که به اختصار بیان می‌گردد.

آرامش درون، رشد شخصیتی، اصلاح نفس و عزت نفس آثار مفیدی است که به دنبال داشتن قناعت بهره‌برداری می‌شود.

این مهم به آن معنا نیست که اشخاص از فعالیت‌های ظاهری برای کسب روزی دست بکشند. بلکه در ادامه کسب حلال که خود عبادتی بزرگ است، توجه به امور معنوی مؤثر بر افزایش روزی نیز از عوامل کمکی درآمدهای خانواده بوده به تبع آن آسایش و آرامش نسبی را ایجاد خواهد کرد.

در نهج البلاغه این عوامل مورد توجه مولای متقیان قرار گرفته و بیان شده است. از جمله به تأثیر صدقه، احتراز از گناه و تأثیر منفی آن در داشته‌های مادی و علم به قانون تشکر در جهت افزایش روزی اشاره شده است. توجه به عامل اقتصادی (رعایت امر قناعت و عوامل

جذب روزی)، مؤثر در تحکیم خانواده بوده و رابطه همسری را قوی تر و صمیمی تر می نماید. چنین خانواده‌ای منشأ رشد و تعالی می شود و فرد و جامعه از این نهاد مقدس سود می برند.



منابع

* قرآن کریم

- * نهج البلاغه، ترجمه دشتی، مشهد، انتشارات آستان قدس، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۱. ابو الفداء، اسماعیل بن علی؛ **تقویم البلدان**، ترجمه آیتی عبدالمحمد، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۹.
 ۲. بحرانی، ابن میثم؛ **شرح نهج البلاغه**، ترجمه محمد رضا عطایی، مشهد، مؤسسه آستان قدس، چاپ هشتم، ۱۳۸۵.
 ۳. موسوی خمینی، سید روح الله؛ **اربعین حدیث**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۶.
 ۴. پسندیده، عباس؛ **رضایت زناشویی**، قم، چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ ششم، ۱۳۹۴.
 ۵. تقریبی، منصوره؛ **پایان نامه موانع پرورش فضایل اخلاقی در نهج البلاغه**، دانشکده علوم حدیث، استاد راهنما: اعظم رحمت آبادی، ۱۳۹۱.
 ۶. تمیمی آمری، عبدالواحد؛ **غررالحکم و دررالکلم**، تصنیف و ترجمه مصطفی درایتی، مشهد، ضریح آفتاب، ۱۳۸۱.
 ۷. جعفری، محمد تقی؛ **شرح و ترجمه نهج البلاغه**، ج ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
 ۸. جوادی آملی، عبدالله؛ **تفسیر تسنیم**، ج ۲، قم، اسراء، ۱۳۷۸.
 ۹. دهخدا، علی اکبر؛ **لغت نامه دهخدا**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۵.
 ۱۰. رازی، ابوالفتح؛ **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، ج ۵ و ۶ و ۱۵، مصحح: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، چاپ و انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۸.
 ۱۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد؛ **مفردات الفاظ قرآن**، تحقیق ندیم مرعشی، بی جا، المكتبة المرتضویة، ۱۳۹۲.
 ۱۲. معتزلی، ابن ابی الحدید؛ **شرح نهج البلاغه**، ج ۲۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
 ۱۳. شهیدی، سید جعفر؛ **ترجمه نهج البلاغه**، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.

۱۴. صدوق، محمد بن علی بن علی بن بابویه؛ **الخصال**، قم، انتشارات ارمان طوبی، ۱۳۸۴.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ **تفسیر مجمع البیان**، ج ۱۰، مصحح و مترجم نوری، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۳.
۱۷. طریحی، فخرالدین؛ **مجمع البحرین**، بی جا، دار الطباعة حاجی ابراهیم، ۱۳۰۷.
۱۸. فراهیدی، خلیل؛ **العین**، ج ۱۰، مصحح دکتر مهدی فخروی و دکتر ابراهیم سامرایی، قم، هجرت، ۱۴۱۰.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ **پیام امام امیرالمؤمنین**، ج ۱۵، قم، انتشارات علی بن ابیطالب، ۱۳۹۲.
۲۰. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر؛ **تفسیر نمونه**، ج ۱۱، تهران، دارالکتب اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۶۹.
۲۱. موسوی خمینی، سید روح الله؛ **اربعین حدیث**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۶.
۲۲. مولوی، جلال الدین؛ **مثنوی معنوی**، مصحح توفیق سبحانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ پنجم، ۱۳۹۰.
۲۳. نراقی، ملا احمد؛ **معراج السعاده**، انتشارات قائم آل محمد علیه السلام، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
۲۴. نوری، حسین بن محمد تقی؛ **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، ج ۱۵، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸.
۲۵. واقدی، محمد بن سعد؛ **طبقات**، ج ۳، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
- سایت**
۲۶. مجتبی تهرانی، شرح حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام، پایگاه خبری: (www.shia-news.com).
۲۷. محمد رضا سبحانی نیا، حدیث فراغت، در پایگاه راسخون: (www.rasekhoon.net).

